



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

راه تربیت، راه شکستن نفس است

شناسنامه مطلب	
کد مطلب	t-183
رده	تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/آشنایی با مسیر/ویژگی‌های مسیر
برچسب	تزکیه، اصلاح اندیشه، تربیت، شکست نفس، عرفانهای کاذب
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

عرفان‌های کاذب بر مبنای نفسانیات و در جهت رشد نفسانیات عمل می‌کنند ولی در مسیر صحیح، برای رسیدن به معرفت و عبودیت و ذلت بیشتر در محضر خدا اعمال انجام داده می‌شوند. فرد هر مقدار بیشتر می‌فهمد، در محضر خدا بیشتر ذلیل‌تر می‌شود و احساس ذلت و خشوع می‌کند، درست نقطه‌ی مقابل آنها.

پس تفاوت اساسی که سیر عملی با عرفان‌های کاذب حتی عرفان‌نظری صرف دارد این است که در مباحث عملی و تربیتی، می‌خواهند نفس را عمل جراحی کنند تا رفته رفته منبّتش کمتر شود بر خلاف دیگر روش‌ها که نفس چه بسا در باطنش روز به روز فربه‌تر می‌شود و تشخیص آن هم بسیار سخت است.

فرض کنید پیراهن کسی با قیچی بریده شود، آن شخص یک مقدار ناراحت می‌شود. اما اگر گوشت او را ببریم این ناراحتی عمیق‌تر خواهد شد. بالاتر به استخوانش برسیم از آن عمیق‌تر خواهد شد. یعنی برایش مطلب خیلی جدی است و حقیقتاً ناراحت می‌شود. یک چیز تشریفاتی نیست. آنگاه که مغز استخوانش را بخواهیم یک سوزنی فرو ببریم عذاب به حد بالای خود خواهد رسید. اما وقتی من منبّت او را بخواهیم سوزن بزنیم و بخواهیم کمی از منبّتش آب شود، آنجا دیگر هنگامه است. اینطور نیست که یک کار تشریفاتی باشد.

در مباحث عرفان عملی است که ملاحظه می‌فرمایید کار را تا چه اندازه سخت و جدی است. عرفان نظری بر خلاف عرفان‌های کاذب در حد یک چاشنی لازم و مفید هست منتها اگر در سیر عملی، زمینه تهذیب و تربیت نفس نباشد، نتیجه منفی خواهد گذاشت. مثل این که یک گلوله‌ای چاشنی اش را ما بکار ببریم و منفجر کنیم اما مخزن اصلی باروت که گلوله را با شتاب پرتاب کند خیس باشد. طبیعی است که نتیجه نمی‌دهد. پس عرفان نظری آن مقداری است که راه را به ما نشان بدهد که به کجا می‌رود؟ چه می‌خواهد بشود؟ لازم و ضروری است. اما اینکه به چه کیفیتی این مسیر را ادامه دهد باید از محضر اساتید مطمئن به صورت عملی استفاده کنیم.

برای درک پیچیدگیهای عملی این راه به نکته‌ای اشاره می‌شود و آن اینکه بعضی از صفات در انسان موجوداند که در نظام‌های دیگر برایش امتیاز قائل می‌شوند ولی همان امتیاز در روشهای عملی چه بسا

مصیبت بزرگی باشد. مثلاً یک آقای بسیار تیز هوش است. این تیز هوشی برای این شخص یک امتیاز مهمی است. نسبت به آن هایی که کم هوش هستند این آقا خیلی استعداد بالایی دارد. به همین خاطر به سرعت پیشرفت می‌کند و با کیفیت بالا مطالب را می‌گیرد. اما همین فرد بخواهد در تربیت نفس خودش قرار بگیرد همین که توجه به این امتیاز خودش دارد، برای او مصیبت بزرگی است که استعداد تربیتی نفس و معرفتی آن را بسیار پایین می‌آورد و راه را برای تربیت این انسان سخت می‌کند. چرا که راه تربیت نفس، راه شکست نفس است. ولی در آنجا چون موضوع مربوط به تربیت نفس و شخص نفس نبود، همین صفت این نفس را چاقتر کرده است. تا وقتی که این شخص توجه به آن را دارد نمی‌تواند اوج بگیرد. شاید یک در میلیون انسان باشد که توجه به امتیازش را نداشته باشد و در وادی عملی تربیت نفس قرار بگیرد. البته مسلّم است که در مسیر تربیت نفس هم همین تیزهوشی بسیار مفید خواهد شد.

پس ملاحظه می‌فرمایید که در روشهای عملی کار چقدر پیچیده است، و به صورت مباحث علمی نیست که موضوعی را استاد توضیح می‌دهد و استدلالی هم می‌کند و در عرض نیم ساعت یک معضل علمی مهمی را حل می‌کند.

وقتی استادی به یک آقای دستورالعملی می‌دهد، و از طرفی این آقا چون که استعدادش در این مسیر خوب بوده تا می‌خواهد آثار باطنی عملی را بفهمد، فوراً شیطان کارش را می‌کند. همان توجه به من خیالی را برای این شخص بزرگ می‌کند. اینکه بزرگان می‌فرمایند این راه را سریع نرویم مطلبی صحیح است.

شیطان علم عجیبی دارد که سالها در ملکوت زندگی کرده است، علمی دارد که انسان را به حیرت می‌آورد. مفهوم آیه ۱۱۲ سوره انعام^۱ این است که شیطان برای انسان وحی و الهام می‌کند که چه کار بکن. به نفس نشان می‌دهد که تو کجا برو و چکار بکن. این بزرگوار هم خوشحال است که «من خیلی چیزها را فهمیدم و خیلی چیزها را می‌دانم» و به ظاهر خیال می‌کند که به آنها هم رسیده است.

۱ - وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يُفْتَرُونَ (و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار) (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۱۲)

متأسفانه فقط کرامت بزرگان را به ما می‌گویند که آقا یک دعا خواند و عقرب به این شخص نیش نزد. مار فلان جا در جا کشته شد. فلان آقا در عرض یک چشم به هم زدن به هندوستان رفت. کرامات اندکی کار را مشکل تر کرده است. بزرگان به این روش کتابها (در بیان) اعتراض سختی دارند. اینها احساسات انسان را تحریک می‌کند و به راه زاویه می‌دهد و راه تربیت را سخت تر می‌کند. چون تا نفس کاملاً از رذائل خالی نشده در معرض وسوسه شیطان است. هدف شیطان همان است که نگذارد به خدا برسیم و به هر چیز مثل طی الارض، علوم غریبه و... بخواهیم برسیم، مانع نمی‌شود.

نفس انسان، خیلی پیچیده است. حفره‌هایی دارد که انسان را در آنجا فرو می‌برد و می‌بلعد اصلاً انسان تا آخر عمر نمی‌فهمد که در کدام چاله نفس افتاده و آنجا پوسیده است. از خدا می‌خواهیم توفیق رهایی از نفس را به همه بدهد.

پایگاه ندای پاک فطرت